

گلستان

شیخ اجل سعدی شیرازی

مصحح: عزیز الله علیزاده

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی ۷-۱۲

دیباچه گلستان ۱۳-۲۴

باب اول: در سیرت پادشاهان ۲۵-۵۴

۴۳	حکایت مرض ملک	۲۶	حکایت دروغ مصلحت‌آمیز وزیر
۴۳	حکایت بنده عمرولیت و تدبیرش در مردن	۲۷	حکایت چشمان محمود سبک‌گین
۴۴	حکایت ملک زوزن و خواجه	۲۷	حکایت ملکه‌زاده کوتاه قد
۴۵	حکایت ملک عرب و ملازم درگاه	۲۸	حکایت عاقبت گرم‌زاده
۴۵	حکایت ظالم و هیزم درویشان	۳۱	حکایت سرهنگ‌زاده و حشودان
۴۶	حکایت استاد کشتی و شاگردش	۳۱	حکایت پادشاه عجم
۴۷	حکایت درویش معجزه	۳۲	حکایت غلام و قدر عاقبت
۴۸	حکایت وزیر و ذوالنون	۳۳	حکایت تدبیر هرمز
۴۸	حکایت پادشاه و بی‌گناه	۳۳	حکایت ملک عرب و عمررفته
۴۸	حکایت بزرجمهر و رأی انوشروان	۳۴	حکایت بنی‌آدم اعضای یکدیگرند
۴۹	حکایت شتاد و سخن راست وی	۳۴	حکایت درویش مستجاب‌الدعوه و خجّاج یوسف
۴۹	حکایت عاقبت رحم بر زیردستان	۳۵	حکایت افضل عبادت برای ملک بی‌انصاف
۴۹	حکایت نصیحت هارون‌الرشید	۳۵	حکایت ملک و گدای اسراف‌کار
۵۰	حکایت ملّاح و دو برادر	۳۶	حکایت سلطان بخیل
۵۰	حکایت ذلت خدمت به سلطان	۳۶	حکایت وزیر معزول شده
۵۱	حکایت مؤده به انوشروان	۳۷	حکایت نشیدن پند معقول
۵۱	حکایت حکمت خاموشی	۴۰	حکایت درخواست از پادشاه
۵۱	حکایت ملک مصر و خیس‌ترین شخص	۴۱	حکایت ملک سخاوتمند
۵۲	حکایت سیاه و کنیزک چینی	۴۱	حکایت انوشروان عادل
۵۳	حکایت اسکندر رومی	۴۱	حکایت خدا و عقوبت ظالم
		۴۲	حکایت مردم‌آزار و سنگ درویش

باب دوم: در اخلاق درویشان ۵۵-۸۰

۵۹	حکایت پدر و پسر	۵۶	حکایت ظاهر و باطن
۵۹	حکایت من آنم که من دانم	۵۶	حکایت درویش و مناجات با خدا
۶۰	حکایت صالح لبنانی	۵۷	حکایت استغفار عبدالقادر گیلانی
۶۱	حکایت وعظ در جامع بعلبک	۵۷	حکایت دزد و پارسا
۶۲	حکایت بیابان مکه و خستگی راه	۵۷	حکایت درویشان و دزد
۶۲	حکایت شکر پارسا در مصیبت	۵۹	حکایت زاهد و مهمانی پادشاه

۷۱ حکایت عابد پای‌بند عیال	۶۲ حکایت درویش و دزدی از خانه دوست
۷۱ حکایت عاقبت عابد در بیشه	۶۳ حکایت پادشاه و پارسا
۷۳ حکایت نذر پادشاه برای زاهد	۶۳ حکایت پادشاه بهشتی و پارسای دوزخی
۷۳ حکایت نان وقفی	۶۳ حکایت اجل توانگر و درویش
۷۴ حکایت درویش گرسنه	۶۴ حکایت عاقبت عابد ریاکار
۷۴ حکایت مرید و رنجش از خلق	۶۴ حکایت غارت کاروانی در زمین یونان
۷۴ حکایت فقیه و عالمان بی‌عمل	۶۴ حکایت ترک شماع
۷۵ حکایت مست خفته و عابد	۶۶ حکایت ادب‌آموزی لقمان
۷۶ حکایت شکایت از بی‌طاقتی	۶۶ حکایت عابد و طعام ده منی
۷۶ حکایت رایت و پرده	۶۶ حکایت گمشده هدایت شده
۷۶ حکایت زور آزمای و دشنام	۶۷ حکایت گله از گواهی به فساد
۷۷ حکایت سیرت اخوان صفا	۶۷ حکایت حقیقت تصوف
۷۷ حکایت خوی بد	۶۷ حکایت شوریده و تسبیح حق
۷۸ حکایت شوی نابینا	۶۸ حکایت سفر حجاز و جوانان صاحب‌دل
۷۸ حکایت پادشاه و درویش با فراست	۶۸ حکایت درویش و جانشینی پادشاه
۷۹ حکایت گیاه ناچیز	۶۹ حکایت ابوهریره و پیامبر
۷۹ حکایت سخاوت و شجاعت	۷۰ حکایت باد مخالف
	۷۰ حکایت از چاله به چاه افتادن

باب سوم: در فضیلت قناعت ۸۱-۱۰۰

۸۱ حکایت خشکالی در اسکندریه و مخت	۸۲ حکایت انصاف و قناعت
۸۶ مالدار	۸۲ حکایت دو امیرزاده
۸۷ حکایت خارکن و حاتم طائی	۸۲ حکایت درویش قانع
۸۷ حکایت موسی و درویش	۸۳ حکایت سبب تندرستی
۸۸ حکایت اعرابی و کبک مروارید در بیابان	۸۳ حکایت خوردن برای زیستن
۸۸ حکایت آرزوی عرب تشنه	۸۳ حکایت دو درویش ضعیف و قوی
۸۹ حکایت درویش گمشده	۸۴ حکایت حکیم و نهی پسر
۸۹ حکایت پای‌پوش و پا	۸۴ حکایت رنجور و خواسته دل
۸۹ حکایت سلطان و دهقان	۸۴ حکایت بقال و صوفیان
۹۰ حکایت پادشاه و گدای مالدار	۸۵ حکایت جوانمرد مجروح
۹۰ حکایت بازرگان و سفرش	۸۵ حکایت نان و آبرو
۹۱ حکایت مالدار بخیل	۸۶ حکایت بیخس عطا به لقا

۹۳	 حکایت دزد و گدا	۹۲	 حکایت صیاد و ماهی
۹۳	 حکایت مشت زن	۹۲	 حکایت هزار پای و بی دست و پای
۹۹	 حکایت درویش غارنشین	۹۲	 حکایت ابله شمین

۱۰۱-۱۰۶	 باب چهارم: در فواید خاموشی
۱۰۴	 حکایت امتناع از سخن گفتن
۱۰۴	 حکایت همسایگی جهود
۱۰۴	 حکایت شاعر و امیر دزدان
۱۰۵	 حکایت مُتَجَمِّم و مرد بیگانه
۱۰۵	 حکایت خطیب کریمه الصوت
۱۰۶	 حکایت موذن ند آدا
۱۰۶	 حکایت ناخوش آواز
۱۰۲	 حکایت مصلحت سکوت
۱۰۲	 حکایت جوان خردمند
۱۰۳	 حکایت عالم و ملحد
۱۰۳	 حکایت جالینوس و ابله
۱۰۳	 حکایت سخنان وائل
۱۰۴	 حکایت اقرار به جهل

۱۰۷-۱۲۴	 باب پنجم: در عشق و جوانی
۱۱۴	 حکایت سلطان محمود و ایاز
۱۱۴	 حکایت بنده نادر الحسن زبان دراز
۱۱۵	 حکایت پارسای عاشق
۱۱۶	 حکایت دلداد و ملکزاده
۱۱۶	 حکایت معلم و متعلم
۱۱۷	 حکایت یار عزیز
۱۱۸	 حکایت مشتاقی و ملولی
۱۱۹	 حکایت مجنون لیلی
۱۲۰	 حکایت قاضی عاشق
۱۲۳	 حکایت جوان پاکباز پاکرو
۱۰۸	 حکایت پارسای عاشق
۱۰۹	 حکایت دلداد و ملکزاده
۱۱۰	 حکایت معلم و متعلم
۱۱۱	 حکایت یار عزیز
۱۱۱	 حکایت مشتاقی و ملولی
۱۱۱	 حکایت دوست سفر کرده
۱۱۲	 حکایت دانشمند عاشق
۱۱۲	 حکایت عنفوان جوانی و عاشقی
۱۱۴	 حکایت بی ریشان

۱۲۵-۱۳۲	 باب ششم: در ضعف و پیری
۱۲۹	 حکایت پیرمرد صد و پنجاه ساله
۱۳۰	 حکایت پیرمرد و دختر جوان
۱۳۰	 حکایت پدر فروت و پسر خویروی
۱۳۰	 حکایت غرور جوانی و گستن
۱۳۰	 حکایت دور جوانی
۱۲۶	 حکایت پیرمرد صد و پنجاه ساله
۱۲۷	 حکایت پیرمرد و دختر جوان
۱۲۸	 حکایت پدر فروت و پسر خویروی
۱۲۸	 حکایت غرور جوانی و گستن
۱۲۹	 حکایت دور جوانی

۱۳۳-۱۴۸	 باب هفتم: در تأثیر تربیت
۱۳۹	 حکایت پسر کودن وزیر ۱۳۴
۱۳۹	 حکایت پند حکیم ۱۳۴
۱۴۰	 حکایت فاضل و تعلیم پسر ملک ۱۳۵
۱۴۰	 حکایت معلم بدخوی و معلم حلیم ۱۳۵
۱۴۰	 حکایت پارسازاده و میراث عموها ۱۳۶
۱۴۰	 حکایت ادیب و تربیت شاهزاده ۱۳۷
۱۴۱	 حکایت تعلق خاطر آدمی ۱۳۷
۱۴۲	 حکایت پند اعرابی به پسرش ۱۳۸
۱۴۲	 حکایت کژدم ۱۳۸
۱۴۳	 حکایت درویش و پسرش ۱۳۸

۱۴۹-۱۷۰	 باب هشتم: در آداب صحبت
۱۷۱-۱۷۲	 خاتمة الكتاب

۱۷۳-۳۲۰	 ضمیمه گلستانِ سعدی شیرازی
۱۷۴-۱۹۴	 کشف الابیات
۱۹۵-۱۹۷	 فهرست اعلام: اسامی اشخاص، فِرَق، اماکن و کتاب‌ها
۱۹۸-۲۴۵	 لغت‌نامه
۲۴۶-۳۲۰	 سؤالات هفده سال کنکور کارشناسی ارشد

به نام خدا

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی

شیخ ابومحمد مشرف الدین (شرف الدین) مصلح بن عبدالله مشرف سعدی شیرازی در سال ۶۰۶ در شیراز متولد شد. به شیخ الامام المحقق، ملك الکلام و افصح المتکلمین ملقب و به شیخ، شیخ شیراز و شیخ اجل مشهور گردید. او تخلص سعدی را از حکام خاندان اتابکان سلغری فارس (۶۸۶-۵۴۳) یعنی اتابک سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی (۶۵۸-۶۲۸) یا نوه اش اتابک سعد بن زنگی بن مودود سلغری (۶۵۸-۶۵۸) گرفته است که اتفاق اکثریت صاحب نظران بر نوه است. وی در بوستان ۵۰ بار، گلستان ۱۴ بار، غزلیات فارسی ۷۰۲ بار و قصاید فارسی ۵۰ بار از تخلص خود استفاده کرده است. اجداد سعدی از عالمان دین بودند. او با قرآن، حدیث، اصول عقاید، فقه و بطور کلی فرهنگ اسلامی آشنایی داشت. در جوانی پدرش را از دست داد. در نظامیه بغداد تحصیل می کرد و از آنجا وظیفه و کمک خرج دریافت می نمود. گویا سفرهایی به بغداد، شام، لبنان، حجاز، شمال آفریقا، روم، افغانستان، ترکستان، هندوستان و کاشغر داشت و در محضر اساتیدی چون شیخ ابوالفرج بن جوزی دوم (۶۴۴-۵۸۲) در بغداد و عارفی به نام شهاب الدین ابوحفص عمر بن محمد (۶۳۲-۵۳۹) شاگردی نمود. با مولانا سیف الدین فرغانی (اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم) و کمال الدین عبدالرزاق بن احمد مکنی به ابن الفطوطی (۷۲۳-۶۴۲) - محدث و مورخ - مکاتبه و ارتباط داشت. به مدح ابش خاتون بنت سعد، اتابک ابوبکر بن محمد، اتابک سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی بن مودود، اتابک محمد پسر ملکه ترکان خاتون، اتابک مظفرالدین ابوبکر سلجوقشاه بن سعد زنگی، امیر انکیانو (۶۷۰-۶۶۷)، امیر سیف الدین محمد، حضرت محمدرسول الله ص، خواجه شمس الدین محمد جوینی صاحب دیوان (متوفای ۶۲۷)، شمس الدین حسین علکانی، علاء الدین عظاملک جوینی (۶۸۱-۶۲۳)، فخرالدین منجم، قاضی رکن الدین، ملکه ترکان خاتون، نورالدین صیاد پرداخته است. با وجود روحیه محافظه کارانه و محتاط در آثار سعدی که از جمله مغولان (۶۹۳-۶۲۴)، اوضاع ناامن زمانه و حتی قتل شعرا بی چون شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (۶۱۸-۵۴۰) بوجود آمده بود، او همیشه حقیقت را ستوده و در آثارش جاری ساخته است. سعدی شاعری اخلاق گراست و سرودن اشعاری چون خبیثات و نگارش هزلیات نتوانسته است از بار تعلیمی آثارش بکاهد. او مثل اعلای فصاحت و بلاغت است. در توصیف عشق، حالات و نظربازی های عاشق و معشوق وصف های زیبای

بسیاری دارد، این در حالی است که بخاطر آراستگی به روحیه عرفانی، رنگی از هوس دنیایی در اشعارش دیده نمی‌شود و اوصاف او تنها در زیبایی ظاهری است. به نظر می‌رسد در نگارش بوستان و گلستان به نصیحة الملوک امام محمد غزالی (۵۰۵-۵۰۶) نظر داشته است. آثار سعدی حد میانه سبک خراسانی و عراقی است.

برخی از مهم‌ترین ویژگی سبکی آثار او عبارتند از: استفاده از صنایع لفظی و معنوی و آرایه‌های بدیعی و بیانی چون سجع متوازن و متوازی، مراعات نظیر، جناس، ترصیع، تضاد، متناقض‌نما، ایهام، تلمیح، اقتباس، تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه و مجاز؛ سهل ممتنع بودن؛ پرهیز از بکارگیری واژه‌های مهجور عربی، لغات بیگانه و تخیل‌های دورپرداز و ترك ترکیبات دشوار مگر ترکیبات رایج؛ رعایت نزاکت، ادب و اختصار و ایجاز در کلام؛ فصاحت و بلاغت در الفاظ؛ حذف افعال به قرینه؛ رعایت آهنگ کلمات؛ تناسب بین نظم و نثر؛ اعتدال (بخصوص در گلستان)؛ استفاده از واو معدوله (از هر دو صورت با واو و بدون آن مثل خود / خدا)؛ تقدم فعل؛ استفاده از ضمیر او برای غیرجاندار؛ استفاده از اسم اشاره این در موارد اهانت و حقارت بجای ضمیر غایب او؛ بکارگیری قید ظرف اندر، در، بر، بعد از اسم‌های مضاف به باء؛ استفاده از راء زاید در مواردی چون علامت مفعول مطلق؛ استفاده از الف تأکید (مبادا)؛ تخصیص مطلق، اضافه مطلق، تخصیص در حالت فاعلی و مفعولی و به معنای برای؛ استفاده از برخی لغات قدیمی؛ استفاده از هجاهای کوتاه و بلند در آغاز و وسط مصراع و پرهیز از هجای کشیده که سبب سکنه وزن می‌شود؛ استفاده از «گ» بجای «ك» در برخی از لغات. برخی از اشعار سعدی چون دیگر شعرای صاحب سبک، به شکل ضرب‌المثل درآمد است. وی به همراه الیاس بن یوسف نظامی گنجوی (۶۱۴-۵۳۰)، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۶۷۲-۶۰۴) و خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (۷۹۲-۷۲۷) از ارکان چهارگانه شعر در زبان و ادبیات فارسی بشمار می‌آید.

سعدی در ۸۴ سالگی در ذی‌الحجه سال ۶۹۱ قمری در شیراز مُرد. آرامگاهش در سعدیه شیراز برپاست.

آثار او عبارتند از:

۱- گلستان: اثری است منثور، ترکیب شده با نظم که در سال ۶۵۶ به نام اتابک سعد بن ابوبکر زنگی از اتابکان سلغری به رشته تحریر درآمد است. این کتاب با یک دیباچه و هشت باب، مشتمل بر ۱۸۱ حکایت و ۱۱۶۰ بیت می‌باشد. حکایات آن سراسر

سخنان حکمت‌آمیز، لطیفه‌های نغز و دلنشین است که در لفافی از آیات و احادیث و اخبار و امثال رویده‌اند. گلستان آمیزه‌ای است از جد و طنز، مجموعه‌ای است از خاطرات، مشهودات و مسموعات که با توصیفاتی دقیق و جاندار ترسیم شده‌اند. اعجاب و دلپذیری گلستان به حضور تمامی اقشار با سیره‌های گوناگون در آن است که در برابر حوادث، واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند. سعدی، گلستان را به سبک عراقی تصنیف نموده است. بسیاری از عبارات آن (با اندکی تغییر) وزن عروضی دارد. گلستان سعدی اوج آمیزش دو سبک نثر موزون خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱) و قاضی حمیدالدین بلخی (متوفای ۵۹۹) است. این کتاب در واقع مقامات - مقاله‌ای ادبی به نثر فنی مشحون به صنایع بدیعی و توأم با اشعار و امثال - است و می‌توان آن را ثانی‌اثنین مقامات قاضی حمیدالدین شمر، با این تفاوت که مقامات قاضی، تقلیدی صرف و خشک از بدیع‌الزمان همدانی (متوفای ۳۹۸) و حریری حرامی (۴۴۶-۵۱۵) است ولی مقامات سعدی اثری است که تقلید را در آن راه نیست، سراسر ابتکار، ابداع و مملو از صنایع دلنشین ادبی است. به تقلید از گلستان سعدی، آثاری چون نگارستان معین‌الدین جوینی (متوفای ۷۸۱)، روضة‌الخلد مجد خوانی (قرن هشتم)، بهارستان عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸) و پریشان میرزا حبیب‌الله قآنی شیرازی (۱۲۷۰-۱۲۲۲) به رشته تحریر درآمده است.

۲- بوستان یا سعدی‌نامه: منظومه‌ای است که در سال ۶۵۵ به نام اتابک ابوبکر بن سعدزنگی از اتابکان سلغری به رشته نظم کشیده شده است. این کتاب با یک مقدمه و ده باب، مشتمل بر ۱۸۴ حکایت و ۴۱۶۸ بیت به وزن فعولن فعولن فعل و به بحر متقارب مثنی‌محدوف سروده شده است. بوستان ترسیم‌کننده مدینه فاضله و جامعه آرمانی شاعر است؛ به عبارتی دربردارنده یک دوره حکمت عملی و فلسفه اجتماعی با موضوع اخلاق، عرفان و تربیت است. صورت کتاب بوستان در قالب حکایات و سیرت آن اخلاقی و فلسفی است، از اینروست که هر دو قشر عام و خاص از آن بهره می‌جویند. مفاهیم آن اغلب با داستان و تمثیل بیان شده است. او در تمثیل جهادات از تشخیص بهره گرفته که این مهم تحرك و پویایی خاصی به اشعارش بخشیده است. شیوه نگارش بوستان به قدری سلیس و روان است که گفته می‌شود نیازی به شرح ندارد.

۳- غزلیات فارسی و عربی: ۷۲۵ غزل فارسی در ۷۱۱۹ بیت به دوزبان فارسی و عربی از سعدی باقی مانده است. این مجموعه با نام‌های طبیات (۴۰۲ غزل یعنی ۵۵/۴۵٪)،

بدایع (۴۲ غزل یعنی ۲۶/۲۱٪)، خواتیم (۶۴ غزل یعنی ۸/۸۳٪) و غزلیات قدیم (۳۴ غزل یعنی ۴/۶۹٪) شهرت یافته است. در غزلیات او ۶۲ وزن و ۶۰ بحر بکار رفته و از وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعلن در بحر مجتث مثنی مخبون اصلم با بسامد ۵۸ بار استفاده بیشتری شده است. (جدول مربوطه در مقدمه قصاید و غزلیات آمده است.) همچنین ۲۱ قصیده و غزل عربی شامل ۳۶۳ بیت نیز از وی باقی مانده است. ۴۷/۳۱٪ غزلیات سعدی مردف (ردیف‌دار) هستند. موضوع غزل‌های وی وصال و فراق یار، وصف احوال و جمال عاشق و معشوق، شوق دیدار یار و... است. گرچه گاهی به معبود عرفانی نزدیک می‌شود، ولی اغلب معشوقش زمینی است. وحدت موضوع و رعایت محور عمودی خیال و شکل ذهنی واحد در اشعار او رعایت شده است. زبان غزلیات به سبک خراسانی، ساده، بلیغ و همه‌فهم است؛ منتهی با تغییر بسامد یعنی کاهش کاربرد لغات مهجور کهن و نامأنوس. از جناس، تضاد و طباق بهره برده و آرایه‌ها بصورت معتدل و پنهان‌اند. اگرچه رواج تخلص در غزل با خاقانی شروانی (۹۵-۵۸۲-۵۲۰) است ولی سعدی آن را تثبیت نموده است. خواجه همادالدین علاء تبریزی (۱۴ یا ۷۱۳-۶۳۶) به سبک سعدی غزل سروده است. امیر خسرو دهلوی (۷۰۵-۶۵۱)، خواجهوی کرمانی (۷۵۳-۶۸۹) و حافظ شیرازی او را در این شیوه، استاد دانسته‌اند. جدا از جایگاه گلستان و بوستان، عمده شهرت سعدی در غزلیات اوست. در واقع او توانست غزلیات عاشقانه را به اوج خود برساند.

۴- قصاید فارسی و عربی: مجموعه‌ای مشتمل بر ۶۴ قصیده فارسی که شامل ۱۶۵۱ بیت می‌باشد. در قصاید او ۱۸ وزن و بحر بکار رفته و از وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعلان در بحر مجتث مثنی مخبون اصلم مسبغ با بسامد ۱۹ بار استفاده بیشتری شده است. (جدول مربوطه در مقدمه قصاید و غزلیات آمده است.) ۲۸/۱۳٪ قصاید سعدی مردف (ردیف‌دار) هستند. موضوع قصاید سعدی موعظه و نصیحت، ملامت، مدح حکام و بزرگان، عبرت گرفتن از روزگار، وصف طبیعت و... است. اکثر قصاید او با مدح ممدوح خاتمه می‌یابد. مدح سعدی با مدح دیگر شاعران درباری از این منظر متفاوت است که وی در قصاید خود زبان به نصیحت می‌گشاید و ممدوحان خود را از پیامدهای ظلم و جور می‌ترساند. قصاید او به سبک عراقی است اما با زبانی لطیف و روان که تا حدی به قصاید انوری ابیوردی (متوفای ۵۸۳) نزدیک می‌شود. او تا آنجا که توانسته از ویژگی‌های کهن و خشن همراه با تکلف و پیچیدگی که در اشعار شاعران پیشین چون

فرخی سیستانی (متوفای ۴۲۹)، عنصری بلخی (متوفای ۴۳۱)، منوچهری دامغانی (متوفای ۴۳۲) دیده می‌شود، دوری کرده است. همان طور که ذکر شد از سعدی ۲۱ قصیده و غزل عربی شامل ۳۶۳ بیت نیز باقی مانده است. قصاید عربی او اگرچه مطرح است ولی از حیث کیفیت به جایگاه قصاید فارسی او نمی‌رسد.

۵- مفردات: مجموعه تک بیت‌های آزادی که به تنهایی معنایی کامل دارند.

۶- هزلیات: سخن طیبت‌آمیز، رکیک یا غیررکیک که به قصد شوخی و انبساط خاطر یا انتقاد از موضوعات اخلاقی و اجتماعی نوشته شده است. برخی را نظر بر این است که هزلیات سعدی چندان سنجیتی با آثار پخته و سنجیده وی ندارد و به تناسب فرهنگ اجتماعی پذیرفته شده نیست.

۷- قطعات: مجموعه‌ای که به دلیل انتساب به خواجه شمس‌الدین محمد جوینی صاحب‌دیوان به صاحبیه مشهور گشته است. سید حسین طباطبایی اردستانی (قرن دوازدهم) قطعات منثوری به سبک سعدی سروده است.

۸- ملمعات و مثلثات: ملمعات مجموعه اشعاری اوست به زبان فارسی و عربی و مثلثات به سه زبان فارسی، عربی و لهجه شیرازی.

۹- رباعیات.

۱۰- مرثی: مجموعه‌ای از اشعار وی در وصف بزرگانی چون المستعصم بالله خلیفه عباسی (۶۵۶-۶۴۰)، اتابک ابوبکر سعد زنگی، اتابک سعد بن ابوبکر زنگی، امیر فخرالدین ابوبکر، عزالدین احمد بن یوسف و یک ترجیع‌بند در مرثیه اتابک سعد بن ابوبکر زنگی.

۱۱- خبیثات: مجموعه‌ای از اشعار اوست با موضوع هزل. به نظر برخی خبیثات نیز همچون هزلیات از دیگر آثار سعدی متمایز است.

۱۲- رسالات: مجموعه چند رساله بدین شرح: ۱- رساله مجالس پنج‌گانه که به شیوه مجالس صوفیان و مُذکران ترتیب یافته و بطور مسلم تذکیرهای شیخ بر منبر و عظم بوده است؛ ۲- رساله در پاسخ صاحب‌دیوان که متضمن چند پرسش صاحب‌دیوان خواجه شمس‌الدین محمد جوینی و پاسخ‌های شیخ است؛ ۳- رساله عقل و عشق که پاسخ سعدی به پرسش منظوم تک‌بیتی مولانا سعدالدین است؛ ۴- رساله نصیحة الملوك در باب سیاست و نصیحت که سعدی آن را به خواهش یکی از دوستانش نوشته است؛ ۵- رساله در تقریر دیباچه، نصیحت سلطان انکیانو، حکایت شمس‌الدین تازی‌کوی و ملاقات شیخ با آباقا

(۶۷۰-۶۶۳) که معلوم نیست بطور مستقیم از سعدی است یا روایت دیگری از اوست.



بعد از تصحیح و نشر آثاری چون «تاریخ جهانگشای جویی»، «قابوس نامه امیر عنصرالمعالی کیکاوس»، «سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی»، «کیمیای سعادت امام محمد غزالی»، «اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی»، «مرصاد العباد نجم الدین ابوبکر عبدالله رازی»، «تاریخ بیهقی»، «منطق الطیر عطار نیشابوری»، «مخزن الاسرار نظامی گنجوی»، «مرزبان نامه سعدالدین وراوینی»، «حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه سنایی غزنوی»، «چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی»، «سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی»، «دیوان اشعار ناصر خسرو قبادیانی»، «تاریخ بلعمی»، «نصیحه الملوك امام محمد غزالی»، «اساس الاقتباس خواجه نصیرالدین طوسی»، «بوستان سعدی شیرازی»، «قصاید و غزلیات سعدی شیرازی»، «کلیات سعدی شیرازی»، بجا بود تا «گلستان سعدی شیرازی» نیز به این مجموعه نفیس اضافه شود.

در چاپ حاضر، نه تنها در متن «گلستان سعدی شیرازی» گاهشی صورت نگرفته بلکه چهار مورد ذیل نیز بدان اضافه گردیده است:

۱- ترجمه آیات قرآن، احادیث و عبارات عربی در ۱۴۷ پاورقی.

۲- کشف الایات؛

۳- نام گذاری حکایات؛

۴- فهرست اعلام شامل اسامی اشخاص، اماکن جغرافیایی و کتابها؛

۵- لغت نامه ای شامل ۲۰۶۰ واژه و عبارت مشکل؛

۶- سؤالات هفده سال کنکور کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه های دولتی و آزاد اسلامی) مرتبط همراه با پاسخ، آدرس منبع و توضیح.
در پایان از همه کسانی که برای چاپ کتاب حاضر دست طلب یاریم را فشردند، سپاسگزاری می شود. در همین راستا از جناب آقای یاسینیان مدیر محترم نشر فردوس که امکانات چاپ و نشر این اثر ارزشمند را فراهم نمودند و همچنین از خانم معصومه نظیری آستانه که در گونه خوانی متن صمیمانه تلاش کردند، تشکر می شود. دست میرزاد.

زمستان سرد ۱۳۸۸

آستانه اشرفیه گیلان

عزیزالله علیزاده